

## تحقیق شرایط اقتصادی - اجتماعی برای توسعه مهندسی مردمی افغانستان

پوهنوال دکتور سید همایون شاه (اکبری)<sup>۱</sup><sup>۱</sup> استاد دانشکده انجینر دانشگاه بلخ

Saiedhamayounshah81@gmail.com

## چکیده

کشور عزیز ما افغانستان یک مملکت زراعتی است که در آن اقوام مختلف با فرهنگ‌های متفاوت زندگی می‌کند. پشتون‌ها، هزاره‌ها، ترکمن‌ها، ازبک‌ها، ایماق‌ها، نورستانی‌ها و سایر اقوام با هم طی سالیان متمادی زندگی نمودن و برادرانه در پیشرفت و ترقی آن حصه گرفتن مناطق که جمعیت آن را پشتون‌ها تشکیل می‌دهد. به چندین قبیله تقسیم می‌گردد. بیشترین تعداد آن‌ها پشتون‌های قبیله دورانی که در مناطق جنوب غربی کشور زندگی می‌نمایند. غلزایی‌ها در قلات غزنی - قندهار سکونت دارند. مطالعه ساختارهای اجتماعی در شهرها و قریه جات افغانستان نشان می‌دهد که بسیاری از خصوصیات قومی قبیله‌ای در حال حاضر در میان مردم مخلوط گردیده است. در شرایط فعلی روابط ساحوی و اقتصادی نقش اساسی را بازی می‌نماید. هر چند سنت‌های قبیله‌ای هنوز هم به شکل از اشکال وجود دارد. نتایج مهم از محققان خارجی در نتیجه مطالعه ساختار اجتماعی مردم افغانستان به دست آمده این است که ساختارهای اجتماعی نمی‌تواند موانع زیاد را در برابر انکشاف نظام‌های طبقاتی فیوالی و سپس سرمایه‌داری ایجاد کند. در چگونگی حل مهندسی و طراحی خانه شخصی و چگونگی خصوصیات توسعه قریه جات و شهرها قدیم منعکس گردیده است. آداب و رسوم مهمان‌نوازی در اکثر گروه‌های قومی مروج است. تقریباً همیشه یک اتاق مخصوص برای پذیرای مهمانان (مهمان‌خانه) در خانه اختصاص داده شده دیدن زنان از نامحرم در خانه‌های رهایشی قسمی حل گردیده که راه‌های جداگانه برای ورد مهمانان در مهمان‌خانه در نظر گرفته شده که در مقایسه با ساختمان‌های اروپایی دارای مساحت بیشتر می‌باشد. اقارب نزدیک تمایل دارند در یک محله خانه‌های خود را بسازد و محله خانوادگی ایجاد می‌گردد و دارای مسجد، قبرستان و مهمانسرا و غیره اماکن می‌باشد. ولسوالی‌های هزاره نیشین و تاجیک‌های کوهستانی برای ارتباط ساختمان‌های باهم نزدیک هستند پیشرفت اندک می‌باشد در قریه جات تاجیک برای ارتباط ساختمان از راه‌های مخصوص استفاده می‌نمایند. در حال حاضر قلعه‌های که نوع تعمیر مستحکم برای جمعیت کشاورز از اوایل قرون وسطی اعمار آن رایج شده بود به بلاک‌های ساختمانی جای خود را داده است. تمام گروه‌های خانوادگی افغان یعنی از خانواده‌های کوچک ۵-۱۰ فامیل نام پدران شان را به شکل دقیق یاد دارند تا تشکیلات بزرگ در حدود ۱۰۰ فامیل ویا بیشتر تحت یک اسم بنام (خیل) یاد می‌گردد. چالش عمده معماران حرفه‌ای و مهندسان این است که نشان دهد چگونه می‌توان تا ترکیب نمودن تکنیک‌های سنتی و روش‌های جدید معماری با استفاده از تجهیزات ساده و قرون به حرفه حجم و کیفیت کار بهبود بخشید. این کار سبب می‌گردد. تا معماری یک خانه عامیانه با نورم‌های استندرد جدید مهندسی نزدیک و با استفاده از وسایل بهداشتی (آبرسانی، کانالیزاسیون و غیره) سطح آسایش اماکن را افزایش داد.

واژه‌های کلیدی: شرایط اقتصادی - اجتماعی، ترکمن‌ها، پشتون‌ها، هزاره‌ها و ایماق‌ها

**مقدمه:**

افغانستان یک کشور چندین ملتی است پشتون‌ها تاجیک‌ها، هزاره‌ها، ازبک‌ها، ترکمن‌ها، ایماق‌ها، و سایر اقوام در قلمرو آن زندگی می‌کند.

مناطق که جمعیت آن را پشتون‌ها تشکیل می‌دهد. به شکل سنتی به چندین قبیله تقسیم می‌گردد. بیشترین تعداد آن‌ها پشتون‌های دورانی بوده که مناطق جنوب غربی کشور زندگی داشته و غلزی‌ها در قلات غزنی - قندهار سکونت دارند. اختلافات قبیله‌ای در میان قبایل پشتون منطقه مرزی در مناطق کوهستانی شرقی و جنوب شرقی زیادتر می‌باشد.

بسیاری از این قبایل در دو طرف مرز افغانستان و پاکستان مستقر می‌باشد. البته فعلاً ساختار اصلی قومی و حتی بیشتر از آن ساختار اجتماعی قبایل افغانستان تقریباً از بین رفته یا تغییر یافته است. روابط خانوادگی و خویشاوندی که خصوصیات دوره پس از فروپاشی آخرین سیستم اجتماعی اولیه محسوب می‌گردد؛ دارای پایداری زیادتر می‌باشد. در آن زمان گرایش به سمت پدرسالاری (اتحاد چندین خانواده بزرگ و کوچک وابسته به وحدت اقتصادی و اجتماعی خاص تحت نام مشترک بنام بنیانگذار آن) وجود داشت یعنی نمادهای خانوادگی در مخالفت با سیستم طبقاتی در حال شکل گرفتن بود. مطالعه ساختارهای اجتماعی در شهر و قریه جات افغانستان نشان می‌دهد؛ که بسیاری از خصوصیات قومی قبیله‌ای در حال حاضر در میان مردم مخلوط گردیده است.

خصوصیات که مطرح می‌گردد ملی نبوده بلکه خصوصیات انجمن‌های است که بر اساس بقایای روابط مختلف پدرسالاری بوده که چی از نظر نژادی و چی از نظر قومی از هم متفاوت می‌باشد. در شرایط فعلی (روابط ساحوی و اقتصادی نقش اساسی را بازی می‌نماید ولی بازهم سنت‌های قبیله‌ای هنوز هم به شکل از اشکال خود را نشان می‌دهد).

نتایج مهم که محققان خارجی در نتیجه مطالعه ساختار اجتماعی مردم افغانستان به دست آورده‌اند این است که به دلیل ویژگی‌های خصوصیات داخلی (این نهادهای خانوادگی و اجتماعی نمی‌تواند. موانع زیاد را در برابر انکشاف نظام‌های طبقاتی فیودالی و سپس سیستم سرمایه‌داری ایجاد نماید)

روند توسعه خاص روابط اجتماعی در افغانستان منجر به تجزیه تدریجی یک خانواده بزرگ افغانی به خانواده‌های کوچک (کمتر از ۶ نفر) گردیده است. این روند از نظر تاریخی اجتناب‌ناپذیر بوده و به یک تعداد از پیش‌نیازهای اقتصادی - اجتماعی مربوط می‌شود. در حال حاضر اکثریت جمعیت افغانستان تحت سلطه یک خانواده کوچک به سرپرستی همسر بوده که به‌طور اوسط به تعداد ۵-۶ نفر می‌باشد و فقط در تعدادی از خانواده ثروتمند معمولاً ۸-۱۰ نفر و بعضاً بیشتر وجود دارد. در حقیقت روابط بین خانواده‌ای در درون گروهی از چند خانواده‌ای نزدیک به هم به شکل تعهدات خویشاوندی متقابل. کمک متقابل. حل‌وفصل امور مشترک در شورای خانوادگی و غیره تا هنوز ادامه دارد. اکثر مردم کشور همچنان دارای انجمن خویشاوندی گسترده‌تری از خانواده‌ها در حدود قریه‌های کلان روستایی و حتی در حدود محله‌های مختلف در محدوده چندین قریه مجاور را دارد. خصوصیات عمده این انجمن‌های وابسته به خانواده عبارت از داشتن نام مشترک، هویت بزرگتر، سنتها، آداب و رسوم قومی خود می‌باشد. ازدواج در چنین گروه‌ها- بین پسرعموها و پسر عموهای دوم و اقوام دورتر امری عادی و حتی بر سایر افراد ترجیح داده می‌شود.

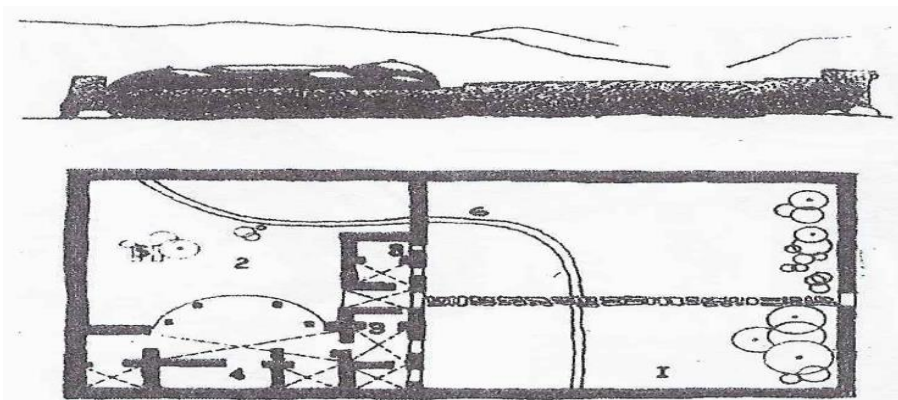
**پرسش‌های تحقیق**

- ۱- مطالعه ساختارهای اجتماعی در شهرها و قریه جات افغانستان نشان‌دهنده چیست؟
- ۲- برای رعایت پرده‌داری در ساختمان‌های مسکونی در شرایط اسلامی کدام فکتورها در نظر گرفته شود؟
- ۳- چالش‌های عمده که در برابر معماران حرفه‌ای و مهندسان قرار دارد چیست؟

## ساختارهای اجتماعی در شهرها و قریه جات افغانستان

در مناطق کوهستانی مانند نورستان بدخشان برخی از آیین‌های خانوادگی و باستانی که مربوط به آیین بت‌پرستی باستانی یا سایر سنت‌های قدیمی می‌گردد حفظ شده است. در میان مردمان عشایری و تیم عشایری افغانستان تقریباً بدون کدام تغییر زیاد تقسیمات قبیله‌ای از زمان‌های بسیار قدیم حفظ گردیده است. ویژگی‌های خصوصیات زندگی گروپ‌های خانوادگی و روابط بین عشایر مرتبط با احشام متحرک موسومی در فاصله‌های طولانی کوچ داده شده می‌شود بیان می‌گردد. روابط اجتماعی و سنت‌های خانوادگی مردم افغانستان در چگونگی حل مهندسی و طراحی خانه‌های شخصی و چگونگی خصوصیات توسعه قریه جات و شهرهای قدیم منعکس گردیده است. آداب و رسوم مهمان‌نوازی در اکثر گروه‌های قومی مروج است. تقریباً همیشه یک اتاق مخصوص برای پذیرایی مهمانان (مهمان‌خانه) در خانه اختصاصی داده می‌شود. دیدن زنان در خانه‌های مردم افغانستان ممکن نیست رود غیرقانونی در خانه برای آن‌ها ممنوع است. اسلام زنان را به رعایت حجاب و مصون از دید افراد نامحرم حکم نموده که در مهندسی خانه‌ها محوطای به واسطه دیوارهای احاطوی (حویلی) برای اعضای فامیل و خصوصاً طبقه انات در نظر می‌گیرند. ساحه بدوباش شامل آشپزخانه، انبار و سایر اتاق‌های مسکونی بوده که در مقایسه با ساختمان‌های اروپایی دارای مساحت بیشتر می‌باشد.

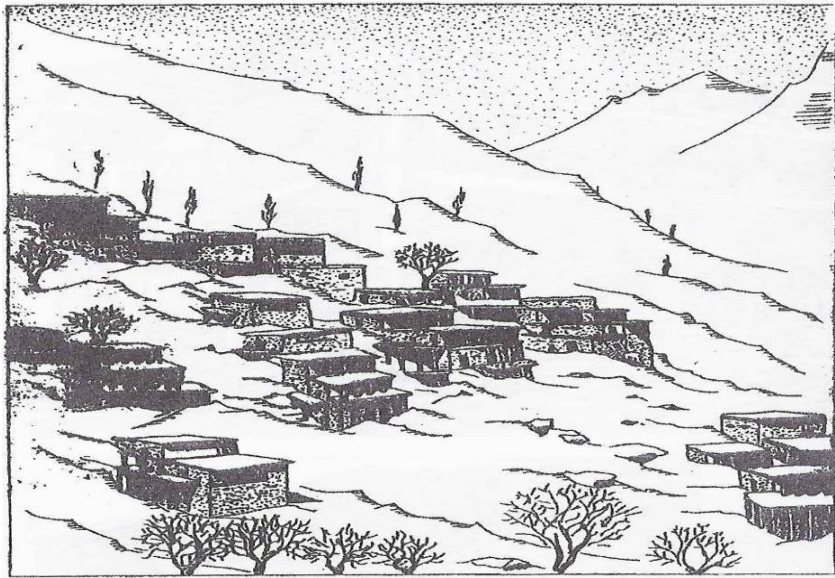
یک خانواده افغان معمولاً می‌تواند فراتر از اماکن مسکونی و خانگی در محیط و محل بیرونی در ایام هوای معتدل گرم و نسبتاً گرم بدوباش نماید. که این کار خیلی علنی نبوده و زنان به‌طور معمول پشت دیوارهای بلند و محوطه‌ها خالی زندگی می‌نمایند (شکل ۱)



شکل ۱: خانه‌های مسکونی در هرات

معمولاً یک در وردی خیابانی در دیوار حویلی ساخته می‌شود و کم از کم خود تعمیر مسکونی دارای دو در وردی می‌باشد. دو در وردی به خانه امکان بهره‌برداری جداگانه‌ای نصف خانه توسط خانواده و نصف دیگر توسط مهمان را فراهم می‌نماید. اقارب نزدیک تمایل دارند در یک محله خانه خود را بسازد که در نتیجه محله‌های خانوادگی ایجاد می‌گردد. چنین محله‌های خانوادگی غالباً دارای مسجد، قبرستان مهمانسرا و غیره می‌باشد. ولسوالی‌های هزاره نیشن تاجیک‌های کوهستانی برای ارتباط ساختمان‌های باهم نزدیک می‌سازند. دارای پیشرفت اندک می‌باشد در قریه‌جات تاجیک‌ها برای ارتباط ساختمان‌های با هم نزدیک اعمار می‌نمایند. و از راه‌های مخصوص استفاده می‌کنند. که به‌عنوان نوعی راه‌های ارتباطی در بناهای مسکونی می‌باشد. در حال حاضر گفته می‌شود که قلعه‌ها که نوع تعمیر مستحکم برای جمعیت زراعت پیشه کشور می‌باشد و از اوایل قرون وسطی اعمار آن رایج شده بود. به بلاک‌های ساختمانی جای خود را داده است. با این حال مطالعات میدانی نشان داده که تکنیک‌های تراکم در اماکن و همچنین انجمن‌های سنتی خانوادگی در همه‌جا حفظ شده از جمله در حویلی جداگانه جای که معمولاً چندین خانواده هم‌ریشه در یک محوطه دیوارهای عظیم مسکن‌گزين گردیده و تحت یک نام خانوادگی زندگی می‌نمایند.

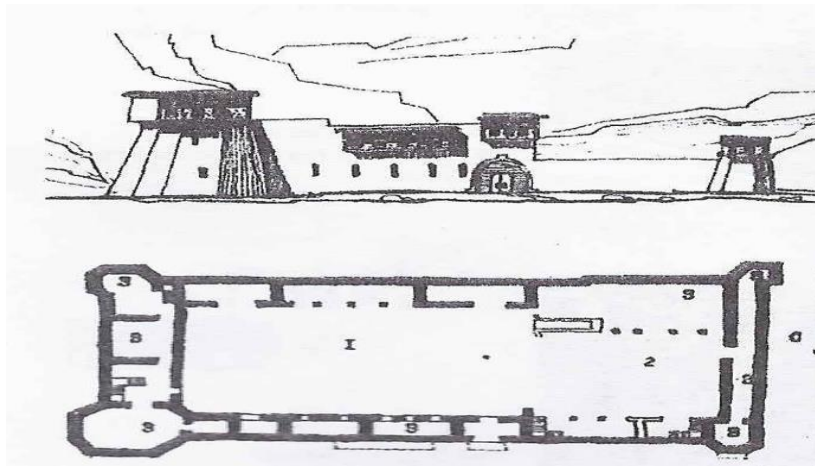
(شکل ۲.۳) روند تبدیل شدن قریه‌ها به نوع قلعه‌های مستحکم در گذشته به خاطر محافظت مداوم در برابر حملات قریه‌های مجاور و قبایل کوچی رایج شده بود بعداً این قلعه‌ها به تدریج اقامتگاه فیودال‌های قرون وسطایی تبدیل شد که نفوذ خود را به مناطق کوهستانی و صوب‌العبور گسترش داد در بسیاری از مناطق هزاره‌جات منطقه کوهستانی افغانستان مرکزی مخصوصاً در امتداد و حاشیه‌های دره‌ها و رودخانه‌های کم ارتفاع اقامتگاه‌های خانه‌ها به شکل قلعه‌های حصار دار که در اطراف آن خانه‌های دهقانان سایر اعضای جامعه قرار گرفته است از ویژگی‌های مخصوص قریه جات هزاره‌ها محسوب می‌گردد.



شکل ۲: خانه‌های تراس دار در کوه های افغانستان

تمام گروه‌های خانوادگی افغان یعنی از خانواده‌های کوچک ۵-۱۰ فامیل که نام پدران شان را به شکل دقیق یاد دارند تا تشکیلات بزرگ حدود ۱۰۰ فامیل یا بیشتر از آن تحت یک اسم بنام «خیل» یاد می‌گردد. در شرایط حاضر روابط اجتماعی در اطراف شهرها دچار تغییرات و تحولات چشم‌گیر شده اما برخی از اشکال ساختار نام‌گذاری که آن‌ها خانوادگی یعنی نام‌گذاری از یک خانواده مشترک اولیه تا خصوصیات جامعه طبقاتی را مشخص نماید. بدون استثنا حفظ گردیده است. تا همین اواخر روند طبقه‌بندی دهقانان در روستاهای اطراف وجود داشت قبل از کودتای اپریل ۱۹۷۸ در ساختار اجتماعی روستا یک قشر کوچک از دهقانان حرفه که از نیرویی کار دیگران بهره‌برداری می‌کرد و یک تعداد افراد بسیار فقیر که در روستاها کار نداشتند و به شهرها سرازیر می‌شدند کاملاً از هم تفکیک بود روند طبقه‌بندی اجتماعی در میان قابل‌عشایری نیز به‌وضوح قابل ادراک بود. که این مسئله سبب هجوم دهقانان فقیر به شهرها گردیده که منجر به افزایش شدید جمعیت شهری در افغانستان گردید. روابط سنتی خانوادگی و خویشاندوی که در روستاها ایجاد شده از روستاها- هر کدام روابط خانوادگی خویش را با اقارب خود حفظ و در عین حال مجموعه‌های جدید خانوادگی و همسایگی را شکل داده اند. این نوع روابط توسعه‌یافته تاریخی در روش‌های معماری و طرح‌ریزی مهندسی مناطق شهری مخصوصاً حومه‌های شهر منعکس گردیده است در مهندسی خانه‌های سنتی مردم ویژگی‌های روابط اجتماعی که در طول تاریخ شکل گرفته سنت‌های قومی و خانوادگی وهم چنان خصوصیات ساختمانی مناطق مختلف آب‌وهوایی که پایه و اساسی مطالعات سیستم خانه‌سازی ملی را تشکیل می‌دهد در نظر گرفته می‌شود. پشتون‌ها عمدتاً در قسمت جنوب کشور در دره‌ها و اطراف دریای هریرود در غرب تا دره‌ها و رودخانه‌ها در شرق زندگی می‌نمایند. در جنوب افغانستان از نظر ترکیب قومی نسبتاً همگون است. در شماری از ولایات ننگرهار، قندهار، پکتیا افغان‌ها بیش از ۹۰٪ کل ساکنان آن را تشکیل می‌دهد. بر علاوه پشتون‌ها در جنوب در شهرها و برخی واحدها تاجیک‌ها. در روستاهای کوهستانی هزاره و در بیابان‌ها بلوچ‌ها زندگی می‌نمایند. در شمال کشور افغان‌ها تقریباً در همه‌جا یافت می‌شود ولی

تقریباً در هیچ جا اکثریت را تشکیل نمی‌دهد. تعداد قابل توجهی از افغان‌ها در هرات و مخصوصاً در بالا مرغاب و هم چنان در امتداد رودخانه کندز زندگی می‌نمایند.

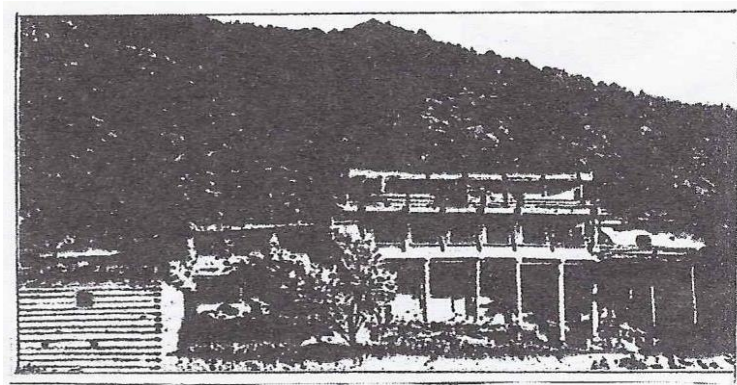


شکل ۳: خانه‌های قلعه مانند در افغانستان

اکثر افغان‌ها به کشاورزی مشغول بوده و تقریباً حدود ۱۸٪ کوچی و نیمه کوچی بوده شغل شان دامداری می‌باشد. برخی از افغان‌ها ساختار قبیله‌ای خود را حفظ نموده است. قبایل بزرگ (قوم یا قبیله) به گروه‌های فرعی و قبیله‌ای تقسیم می‌شود. به نوبه خود قبایل در اتحادیه‌های قبیله‌ای متحد می‌گردند. بزرگترین انجمن قبایل افغانستان دورانی و غلزایی است دورانی‌ها عمدتاً در ولایات قندهار و هرات و منطقه فرا مستقر هستند. قسمت اصلی ژیلی و پنجوایی را تشکیل می‌دهد. غلجایی‌ها در ناحیه کوهستانی در شمال شرق قندهار در دره‌های فلات‌های واقع در جنوب شرقی کوه‌های سلیمان زندگی می‌نمایند. زیرا مجموعه‌های اصلی غلجایی‌ها غربی (تورات) و غلجایی‌های شرقی (ابراهیم خیل بوران) است. بر علاوه قبایل دیگر از قبیل کاکر. وردک. خوگیانی. صافی. مومند. شینواری. ارک زی. احمدزی. ژلاند. جاجی وغیره نیز وجود دارد. در شمال افغانستان ترکمن‌ها. ازبک‌ها و تاجیک‌ها وجود دارد که بسیاری از ویژگی‌های مشترک با ساکنین مناطق همجوار مثل ترکمنستان. ازبکستان و تاجیکستان دارد. بورنس (A. Borns) در نیمه اول قرق ۱۹ به افغانستان سفر کرد نوشت که برخی از ساکنان محلی شباهت زیادی با ساکنان آن طرف کوه‌ها دارد.

ان. ای. وا ویلوف (N.L. Vailov) اظهار داشت که شمال کشور غرب افغانستان در منطقه کوشکین تا حدودی در نزدیکی میمنه و اندخوی یک جمعیت با اکثریت ترکمن وجود دارد که (نه از نظر زبان و نه از نظر ظاهری و لباس از ترکمن‌های دریای خزر قابل تفکیک نیست) بیشتر ترکمن‌ها سبک زندگی کوچی؛ و نیمه کوچی داشته و کمتر ساکن در یک منطقه می‌باشد. قبایل کوچی و نیمه کوچی در واگن‌های بلند ترکمنی که بافته می‌شود زندگی می‌نمایند ترکمن‌ها عمده‌ترین تأمین‌کنندگان قالین در بازارهای اندخوی، مزارشریف، میمنه و همچنین عمده‌ترین فروشندگان اسب هستند. ترکمن‌ها غالباً در قبایل و طایفه‌های جداگانه زندگی می‌کند و زبان آن‌ها ترکمنی می‌باشد. ازبک‌های شمال افغانستان که عمدتاً بیشتر ساکنین منطقه میمنه، مزارشریف، بلخ، خان آباد، جوزجان، کندز و مانند ترکمن‌ها از نظر زبانی، مذهبی و ظاهری با ازبک‌های ازبکستان تفاوتی ندارد. شغل اصلی ازبک‌ها کشاورزی و مالدار است. تاجیک‌ها در کوه‌های کم ارتفاع کوهستانی افغانستان زندگی می‌کند. بیشتر آن‌ها در قسمت شمال شرقی کشور یعنی در قطغن و بخشی دیگر در ولایت مزار شریف جاییکه اکثریت جمعیت آنجا را تشکیل می‌دهد. زندگی می‌نمایند. بر علاوه تاجیکان در شمال غربی (ولایت هرات. در امتداد دریای هریرود) و همچنین در امتداد دامنه‌های شمالی و جنوب هندوکش ساکن هستند. ونیز در بدخشان افغانستان و در واخان، اشکاشیم، شغنان وغیره زندگی می‌کنند تاجیکان به کشاورزی. باغداری و باغبانی مشغول هستند. تکنیک‌ها و مهارت‌های عالی تاجیک‌ها در بخش کشاورزی

برای پشتون‌ها و سایر اقوام ساکن در افغانستان یک امر مسلم و پذیرفته شده می‌باشد. محققان خاطر نشان نموده که تاجیک‌های مناطق دور افتاده جغرافیایی دارای خصوصیات مشترک و مشابه قوی در نوع پیداوار و روش‌های مدیریت اقتصادی، روش‌های کشت زمین، تنوع محصولات زراعتی، تقسیم کار (مردان مشغول کشاورزی و زنان مشغول دامداری و لبنیات) می‌باشد. موارد بسیار مشترک در آیین‌ها، آداب و رسوم مرتبط با تولد، عروسی، مراسم خاکسپاری، تعطیلات تابستانی و تفریح‌ها تعطیلات تقویمی و غیره مشاهده می‌گردد. روش‌های ترتیب و تنظیم خانه، نوع تعمیرات، ظروف و روش پخت‌وپز برای بسیار از مردم ساکن در بدخشان افغانستان، هندوکش شرقی و همچنین در دره‌های در واز، قطغن برای بسیار از اقوام مشترک است. قسمت‌های شمال شرقی افغانستان، مناطقی که دامنه‌های جنوبی هندوکش واقع شده‌اند، مانند (کاتی، دیگل، پرازون یا پارون، اشکون واما) تا در این اواخر کافر بودند آن‌ها به کشاورزی و دامداری مشغول هستند. البته تقسیم‌کار در این مناطق بسیار قدیمی است. همه کاره‌ای کشاورزی، در وعلف‌ها، در وریشقه همچنان تهیه هیزم از جمله شغل زنان بوده. برعکس همه کاره‌ای مربوطه به مراقبت از حیوانات توسط مردان انجام می‌گردد. سکونت‌گاه کافران در مناطق مرتفع کوهستانی و صب‌العبور که پوشیده از جنگل‌های برگریز و جنگل‌های برگ سوزنی است قرار دارد (شکل ۴) جنگل‌های فراوان امکان استفاده از چوب به‌عنوان مصالح ساختمانی را فراهم کرده است. نظر به موقعیت روستا و نیازمندی به محافظت آن در برابر دشمنان و نیز نظر به چگونگی استفاده از مصالح ساختمانی قابل دسترسی اهالی این مناطق دارای انواع مختلف خانه‌ها و اماکن فرعی هستند. مناطق هندوکش مرکزی هزاره‌ها که دارای اقتصاد دامداری و کشاورزی است ساکن هستند. قبایل اصلی هزاره‌ها عبارت‌اند از شیخ علی، بهسود، دایزنگی، دایزنیات، دایکندی، گاوی، جاغوری، دایچوپان، دایمیرداد، جوره، ارزگان، فولادی، وایه، زاوی، میرادینه، سلطان احمد و غیره می‌باشد. در قلمرو افغانستان اهالی با روش‌های مختلف به شرایط طبیعی زندگی یفی مایی (کم‌تحرك) نمیه کوچی و کوچی را می‌توان از هم تفکیک کرد. البته نوع مسکونیت در بین اقوام مختلف بستگی دارد.



شکل ۴: خانه در جنگلات وسیع در نورستان

اشکال مختلف پیداوار اقتصادی مردمان نیمه کوچی با همان خصوصیات پیداوار مردم و جایی کوچ نمودن شان کوچی بودن نیمه کوچی بودن را تعیین می‌نمایند. خصوصیات زمین (زمین آبی للمی) شعاع کوچ نمودن انواع محصولات نوع غله و غیره. بررسی‌های اشکال مختلف پیداوار اقتصادی نشان می‌دهد که در شرایط مشابه آب‌وهوایی شرایط طبیعی جغرافیایی در یک مرحله چگونگی توسعه اجتماعی در میان اقوام مختلف دارای ویژگی‌های مشترک می‌باشد. که همه آن در مورد خانه‌های سنتی روستایی صدق می‌نماید.

افغانستان یک کشور زراعتی است. در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ محصولات کشاورزی و صنایع دستی بیش از نیمی کلی تولید ناخالص ملی را در کشور تشکیل می‌داد در سال ۱۳۵۷ باوجود عقب‌ماندگی اقتصادی و سیاست‌های محافظه‌کارانه در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم برخی تغییرات اجتماعی در کشور ایجاد گردیده که تجزیه تدریجی نظام فیودالی و توسعه روابط پول و کالا، انکشاف تجارت سود و ربا باعث توسعه سرمایه‌صنعتی گردید. در این شرایط نخبگان فیودالی علاقه‌مند

گردیده‌اند که قبایل عشایر را بالای زمین‌های خویش به دلیل سیستم خدمات مالیاتی که سود قابل‌توجه به آنان داشت بکار گمارند. انتقال قبایل کوچی و نیمه کوچی به زندگی کشاورزی تعداد آن‌ها را به میزان قابل‌توجهی کاهش داد. با این حال تا هنوز برخی قبایل کوچی سنت‌ها و شیوه زندگی خویش را حفظ نموده است. برای سرپناه آن‌ها از چادرهای سبک و قابل حمل استفاده می‌نماید. کوچ نمودن قبایل کوچی در فصل بهار به مناطق کوهستانی به طریق‌های مختلف صورت می‌گیرد این رویداد سنتی همزمان با جشن ملی بهار لازم به ذکر است که برخی از مردم کوچی نیمه کوچی افغانستان آن‌قدر که به تجارت‌های متوسط مشغول اند به چراندن گله مشغول نیستند. آن‌ها کالایی مختلف را از گردنه‌های کوهستان‌ها دشوار عبور می‌دهند. درست است که مدت‌هاست که وسایل نقلیه و هواپیماها بیشترین حمل‌ونقل اموال را در افغانستان به عهده دارد ولی با آن هم فعلاً همان روش تجارت سنتی در مسیرهای کوهستانی معیشت هزاران نفر را تأمین می‌نماید. سیاست گذشته جهت تشویق کوچی‌ها برای استقرار دایمی چندان موثریت نداشته است. ناپدید شدن کامل آن‌ها سبب می‌گردد که مناطق وسیعی از اراضی خاص از سکنه خالی ولی با سازمان‌دهی کاملاً معقول اماکن کوچی با استفاده از انواع مسکن‌های جدید سیار می‌توان دامداری را به شکل خوب رونق بخشید.

دهقانان افغانستان و ساکنان فقیر شهری همیشه ضعیف بوده و نتوانستند از جدیدترین مصالح ساختمانی وارد شده و از تجهیزات گران قیمت استفاده نمایند. برای چندین قرن فقط در خانه‌های عامیانه زندگی نموده‌اند که از ساده‌ترین وسایل فنی و مصالح ساختمانی محلی که در دسترس آن‌ها قرار داشته استفاده گردیده است. استفاده درازمدت از این نوع تعمیرات تخنیک‌های ساختمانی مؤثر و منطقی را به وجود آورده است. مثلاً از زمان‌های قدیم ساکنان دشت‌ها از خشت‌هایی خشک شده در زیر نور خورشید که از گل رس ساخته می‌شد. استفاده گردیده است. طبیعت به معماران باستان این را آموخت تا از این ماده استفاده نمایند؛ زیرا گل رس خشک شده مواد ساختمانی نسبتاً با دوام را برای ساخت دیوارها در آب‌وهوای خشک افغانستان تشکیل می‌دهد تجربه نشان داده که خانه‌های ساخته شده از خشت‌های گل رس خشک شده در آفتاب با موقعیت در برابر عوامل نامساعد محیطی مقاومت نموده و نیازهای مداومت لازمی را تأمین می‌نمایند. در عین حال نباید فراموش کرد که تخنیک‌های ابتدایی و خاصیت محافظه‌کاری مخصوصاً در بین اهالی روستاها اجازه بیشتر و ارتقای مهارت‌های تخنیکی به صنعت گران محلی نمی‌دهد. چون این تخنیک‌ها یک مجموعه مشخص از تخنیک‌های فنی است که بدون تلاش در بهبود یافتن یا بدون استفاده از تجهیزات ساختمانی مدرن استفاده از تجهیزات ساختمانی محلی از نسل به نسل دیگر منتقل گردیده است. چالش عمده معماران حرفه‌ای و مهندسان این است که نشان دهد چگونه می‌توان تا ترکیب نمودن تخنیک‌های سنتی و روش‌های جدید معماری با استفاده از تجهیزات ساده و مدرن به حرفه حجم و کیفیت کار بهبود بخشید. این کار سبب می‌گردد تا معماری یک خانه عامیانه با نورم‌های استندرد جدید مهندسی نزدیک شود یعنی با معرفی سیستم‌های کمکی معیشتی (مانند آبرسانی، کانالیزاسیون و غیره) سطح آسایش اماکن افزایش باید اساسات ضایع دستی هنرهای محلی عامیانه را با مطالب عمده‌ای مهندسی فضایی و همچنان استفاده از بافته‌ای متضاد مواد مختلف و تخنیک‌های تزینی در طراحی داخلی. همراه با نکات تأکیدی تخنیک‌های مدرن را می‌توان در انسجام دهی عمیق اماکن عامیانه که در نتیجه تجربیات چندین ساله توسعه یافته را با محیط انجام داد. مانند گذشته تمام افراد جامعه در سن کاری در ساخت تعمیر مشارکت می‌نمایند. وسیعی می‌کنند با استفاده از نیروی کاری تمام اعضای خانواده هزینه‌های مادی را حداقل برسانند. روند ساخت یک مسکن روستایی مطابق با مراتب ارزش‌های سنتی معنوی و مادی. روابط خانوادگی حاکم و خصوصیات ملی با بسیاری از روش‌های مورد استفاده اروپایی‌ها متفاوت است. و این بدین معنی که اصول معماری محلی و معیارهای اقتصادی و کیفیت اماکن خود این مناطق باید مورد استفاده قرار گیرد.

### مناقشه:

آیا مطالعه ساختارهای اجتماعی در شهرها و قریه جات افغانستان نشان‌دهنده آن است که بسیاری از خصوصیات قومی قبایله‌ای در حالی حاضر در میان مردم افغانستان مخلوط گردیده است. خصوصیات که مطرح می‌گردد ملی نبوده بلکه خصوصیات

انجمن‌ها است که بر اساس بقایای روابط مختلف پدرسالاری بوده هم از نظر نژادی وهم از نظر قومی از هم متفاوت می‌باشد که در شرایط فعلی روابط ساحویی و اقتصادی نقش اساسی را بازی می‌نماید هرچند سنت‌های قبیله‌ای هم به شکل از اشکال خود را نشان می‌دهد.

نتایج مهم از متحققان خارجی در نتیجه مطالعه ساختار اجتماعی مردم افغانستان به دست آمده است که ساختارهای اجتماعی نمی‌تواند موانع زیاد را در برابر انکشاف نظام‌های طبقاتی فیودالی و سپس سرمایه‌داری ایجاد کند. آیا برای رعایت کردن پرده‌داری در شرایط اسلامی در ساختمان‌های مسکونی گرفتن یک مهمان‌خانه در ترتیب اماکن ضرورت است.

آداب و رسم مهمان‌نوازی در بین اقوام مختلف افغانستان رایج است تقریباً همیشه یک اتاق مخصوص برای پذیرای مهمان‌ها (مهمان‌خانه) در خانه‌ها اختصاص داده می‌شود که این مهمان‌خانه دارای راه مجزا از اهل خانواده می‌باشد که هم سهولت در رفت‌وآمد مهمانان در آن وهم رعایت پرده‌داری اسلامی صورت می‌گیرد.

### نتیجه و پیشنهادات:

افغانستان یک کشور زراعتی است در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ محصولات کشاورزی و صنایع دستی بیش از نیمی کلی تولید ناخالص ملی را در کشور تشکیل می‌داد. با وجود عقب‌ماندگی اقتصادی و سیاست‌های محافظه‌کاری در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم برخی تغییرات اجتماعی در کشور ایجاد گردید روند توسعه خاص روابط اجتماعی در افغانستان منجر به تجزیه تدریجی یک خانواده بزرگ افغانی به خانواده‌های کوچک کمتر از ۶ نفر گردید. این روند از نظر تاریخی اجتناب‌ناپذیر بوده و به یک تعداد از پیش‌نیازهای اقتصادی اجتماعی مربوط می‌شود. در حال حاضر اکثریت جمعیت افغانستان تحت سلطه یک خانواده کوچک به سرپرستی همسر به تعداد ۵-۶ نفر می‌باشد و فقط در تعداد از خانواده‌های ثروتمند معمولاً به ۸-۱۰ نفر و بعضاً بیشتر می‌رسد. با نظر داشت شرایط که در نتایج مطالعات متحققان خارجی ساختار اجتماعی مردم افغانستان به دست آمده اینست که ساختارهای اجتماعی نمی‌تواند موانع زیاد را در برابر انکشاف نظام‌های طبقاتی فیودالی و سپس سرمایه‌داری ایجاد کند.

تحقیق با جمع‌بندی از نتایج تحقیق چنین به نتیجه می‌رسد که:

۱- با وجود سنت‌های قبیله‌ای ساختارهای اجتماعی در شهرها و قریه جات افغانستان در حال حاضر در میان مردم در حالت مخلوط شدن است.

۲- آداب و رسوم مردم افغانستان ایجاب می‌کند تا در ترکیب اماکن مسکونی خود یک اتاق مهمان‌خانه که دارای راه جداگانه از بخش‌های اماکن فامیلی داشته باشد تا رعایت پرده‌داری از نقطه نظر شرایط اسلامی را فراهم سازد که هم افراد انانث فامیل از دید مهمان در امان بوده وهم شرایط بهتر برای رهایشی مهمان فراهم گردد.

۳- با در نظر داشت خصوصیات روش‌های سنتی اعمار تعمیرات مسکونی با مواد و مصالحه محلی جهت بهبود کیفیت ساختمان‌ها تعمیرات مسکونی در معماری جدید با استفاده از تجهیزات بهداشت (آبرسانی و کانالیزاسیون) سطح آسایش اماکن را افزایش داد.

### منابع:

- ۱- کابلی، مهدی‌زاده، تاریخ افغانستان، انتشارات: کابل. ۱۳۷۶ خورشیدی
- ۲- غبار، میر غلام محمد. (۱۳۴۶). افغانستان در مسیر تاریخ، انتشارات: محل نشر
- ۳- فرهنگ میرمحمد صدیق افغانستان در پنج قرن اخیر، تهران، ۱۳۸۰
- ۴- کهزاد احمدعلی. استکھلم تاریخ افغانستان سال ۱۳۸۱ خورشیدی.



- 5- Архитектура промышленных зданий /Под ред. С.В. Дятков и А.П. Михеев -М.: Стройиздат, 2010.
- 6- Курс лекций по Архитектуре гражданских и промышленных зданий /Под ред. В.М. Туснина. -М.: Стройиздат, 2011.
- 7- Архитектура/ Под ред. Т.Г. Маклакова, С.М. Нанасова, В.Г. Шарапенко, А.Е. Балакина. -М.: Стройиздат, 2009.
- 8- Архитектурное проектирование промышленных предприятий /Под ред. С.В. Демидова и А.А. Хрусгалсва. -М.: Стройиздат, 1984.
- 9- Архитектура промышленных предприятий, зданий и сооружений. Справочник проектировщика /Под ред. Н.Н. Кима, -М.: Стройиздат, 1990.

### Summary

Since our dear country Afghanistan is an agricultural country where different ethnic groups live with different cultures. Pashtons, Hazaras, Turkmens, Uzbeks, Imags, Nuristanis and other ethnic groups have lived together for many years and participated in its progress and progress brotherly. Pashtons of Durani tribe live in southwestern regions of the country, Gholzais live in Qalat Ghazni and Kandahar. The study of social structures in the cities and villages of Afghanistan shows that many ethnic and tribal characteristics are currently mixed among the people. In the current situation of regional and economic relations, it plays an essential role. However, tribal traditions still exist in some form.

The important results obtained from foreign researchers as a result of studying the social structure of the Afghan people is that social structures cannot create many obstacles against the development of feudal and then capitalist class systems.

It is reflected in how to solve the engineering and design of a private house and how the characteristics of the development of villages and old cities are. Hospitality customs are popular in most ethnic groups. Almost always, a special room for receiving guests (guest house) is allocated in the house. Seeing women from strangers in residential houses is partially solved by considering separate ways for guests to enter the guest house, which compared to European buildings with the area is more. At present, the peaks, whose construction was common for the farming population since the beginning of the middle period, have been replaced by building blocks.

The main challenge of professional architects and engineers is to show how they can improve the volume and quality of work by combining traditional techniques and new architectural methods using simple equipment of centuries. This work causes the architecture of a folk house to increase the level of comfort of places with the new standards of close engineering and the use of sanitary devices (water supply, sewerage systems, etc.)